



رؤنانه رفصایی پور

خبرنگار حوزه حقوقی

حضور آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در رأس نهاد قضایی کشور، فرصت خوبی به صاحب‌نظران و فعالان حوزه قضا هم داد. کسانی که البته به تمجید از این انتصاب برخاستند چون او را فردی از جنس فقه و حقوق می‌دانند، این انتظار را هم از او دارند که به مشکلات و مسائل قوه قضاییه پایان دهد. «جلب اعتماد عمومی»، مهم‌ترین خواسته‌ای است که این روزها در صدر اولویت‌های مطرح شده در خصوص قوه قضائیه عنوان می‌شود. موضوعی که البته در سخنان رئیس قوه قضائیه هم برجسته است. اعتمادی که به گمان برخی فعالان گرچه تنهائسبت به نهاد قضایی کشور لطمه دیده بلکه در نهادهای دیگر حاکمیتی نیز کم‌رنگ شده، چگونه می‌تواند به جامعه بازگردد؟ آیا رئیسی راه دشواری تار سین در بن این هدف پیش رودارد؟

در میزگردی که با حضور حسین میرمحمد صادقی سخنگوی اسبق قوه قضائیه و استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی، باقر شاملو استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و هوشنگ پوربابایی وکیل پایه یک دادگستری برگزار شد، به اولویت‌های دستگاه قضایی در دوره جدید و نقش رئیس جدید قوه در برطرف ساختن کاستی‌ها پرداختیم.

آقای دکتر میرمحمدصادقی، قاعدتاً شما ملاحظاتی را نسبت به دستگاه قضایی در دوره قبل دارید. ابتدا از انتصاب جدید شروع کنیم. انتخاب آقای رئیسی را با توجه به مسائلی که در دستگاه قضا وجود داشته وارد و انتظارانی که معطوف به آینده این نهاد است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مزیت آقای رئیسی نسبت به رؤسای قبلی چیست؟ آیا این استقبال به دلیل سابقه قضایی و همچنین تحصیلات حقوقی ایشان است؟
میرمحمدصادقی: در مجموع از انتخاب جناب آقای رئیسی استقبال شده و بیشتر افراد همین مطلبی را که شما هم به آن اشاره کرده‌اید به عنوان نکته مثبت مطرح کرده‌اند. ایشان از دل دستگاه قضایی بیرون آمده و ضمن تحصیلات حوزوی از تحصیلات حقوقی هم برخوردار است. فردی که در دستگاه قضایی بوده و سمت‌های مختلف قضایی را تجربه کرده طبعاً بهتر و زودتر می‌تواند نسبت به مسائل قوه‌قضائیه ورود پیدا کند و اقدامات لازم را انجام دهد. در مورد تحصیلات حقوقی هم به همین ترتیب است. گاهی وقت‌ها مشاهده می‌شود کسانی که در حوزه فقه و علوم مرتبط با آن سر و کار دارند خیلی به حقوق به‌عنوان یک علم مستقل و قابل توجه نگاه نکرده و در تصمیمات خود به بحث نمی‌کنند. همین موضوع باعث شده که متأسفانه یک دیوار بلند فاصله بین محافل حقوقی و دانشگاهی با قوه قضائیه کشیده شود. به همین دلیل است که گاهی اوقات رؤسای قوه قضائیه خیلی به علم حقوق و دانشمندان حقوق توجهی نداشتند. اگرچه این دویوزگی از نقاط مثبت آقای رئیسی است اما نمی‌توانیم به عنوان شرایط کافی برای رئیس قوه از آن نام ببریم. تنها شرایط لازم به شمرامی آید و نقطه آغاز خوبی است اما در کنار آن خیلی از مسائل دیگر نیز باید رعایت شود تا معضلات متعدد دستگاه قضایی حل شود. از جمله این اولویتهای جلب اعتماد عمومی به دستگاه قضایی است.

آقای دکتر شاملو: آقای دکتر میرمحمد صادقی در مورد فقه و حقوق نکاتی را مطرح کردند. ارتباط بین فقه و قانون در جمهوری اسلامی همواره محل بحث بوده. آیا این بحث همچنان در دوره جدید نیز قابل طرح است؟
شاملو: همیشه اعتقاد این بوده که انتصاب‌های بیرون سیستمی یکی از مملکت‌های ضربه‌ها را به آن سیستم وارد می‌کند. حال برای اولین بار، انتخاب رئیس قوه قضائیه در ایران از درون سیستم قضایی انجام شده که این حسن انتخاب امتیاز بسیار بالا و آثار مثبتی هم برای نیروهای داخل آن سیستم دارد. یکی از خصوصیات آقای رئیسی این است که هم به فقه آشنایی دارد و هم حقوق را می‌داند و این لازمه تصدی و مدیریت بر دستگاه قضایی است که مهم‌ترین ابزار کارش قانون و تکنیک‌های حقوقی است. فقه یک دانش است اما حقوق به همان اندازه که دانش است، فن و هنر و تکنیک‌های حرفه‌ای هم هست. تجربه انتصاب‌های گذشته نشان می‌دهد مدت‌ها طول کشیده تا نفرات جدید با سیستم آشنا شوند و بتوانند مدیریت بهینه‌ای را انجام دهند.

آقای دکتر پوربابایی نظر شما را هم در این زمینه می‌شنویم.

پوربابایی: در خصوص شخصیت آقای رئیسی و انتخاب ایشان به عنوان رئیس قوه قضائیه، من هم با دوستان هم‌عقیده هستم. ایشان دارای دو وجه فقهی و حقوقی هستند. مخصوصاً در علم حقوق به نظر می‌رسد که از سربازی به سردار رسیده‌اند. حضور او به عنوان دادیار کرج در ۲۰ سالگی و سپس دادستانی این شهر در ادامه ورودش به تمامی مناصب قوه قضائیه، نشان از توانایی‌های ایشان دارد. ایشان حتی زمانی رئیس سازمان بازرسی کل کشور بودند و از مشکلاتی که در بدنه دستگاه قضا و قوه اجرایی کشور وجود دارد، مطلع و آشناست. این آشنایی بسیار می‌تواند به سیستم قضایی ما کمک کند. ضمن این‌که –براساس مسموعات عرض می‌کنم- فردی مردمی است و

شاملو: اگر بخواهیم مشکلات دستگاه قضایی و نگاه نه چندان مثبت مردم به این نهاد را آسیب‌شناسی کنیم بخشی از آن را باید ناشی از عوامل درون قوه‌قضائیه و بخشی دیگر را عوامل بیرونی و فرهنگی بدانیم که در الگوهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما ریشه دارد. بطور مثال یکی از آسیب‌های جدی که در مورد آن اتفاق نظر وجود دارد -چه درست باشد چه نباشد-، بحث حاکمیت رانت در بخش‌های مختلف نظام اجتماعی ما است. بخشی از این حاکمیت رانت، ناشی از الگوهایی است که در سیستم‌های فرهنگی و آموزشی و سیاسی و اقتصادی ما وجود دارد. ببینید همه مفسدین اقتصادی از کسانی هستند که از رانت‌های خاص استفاده کرده‌اند نه از ضابطه و قانون.

بدون تردید دانشگاه‌ها در سال‌های گذشته همیشه با دستگاه قضایی و بخصوص در فرآیندهای قانونگذاری کمک کرده‌اند اما در خیلی از مواقع ضمانت اجرایی برای این همکاری‌ها وجود نداشته است. یعنی تعلیم وجود داشته اما آنچه لزوماً خیرگان اجتماعی در مجموع تشخیص دادند در قالب‌های قانونی و یا اجرایی متبلور نشد و یا مکانیسمی برای این‌که همین فرآیندها و دستاوردها و داده‌های علمی عنیت پیدا کند وجود نداشت. یک دلیل آن می‌تواند این باشد که نظام برنامه‌ریزی و نگاه مدیران مایک نگاه سیستمی نیست. خیلی از مواقع نگاه‌ها کوتاه مدت و برای حل مسأله‌های ابتدایی و کوچک است. تشخیص مصلحت‌های ناگهانه و کوتاه‌مدت موجب سلب اعتماد عموم از بسیاری از نهادهای اجتماعی شده است. بنابراین تعامل قوه قضائیه حتی با کانون وکلا هم وجود نداشته اما فاقد ضمانت اجرا بود. خیلی از مواقع می‌شنیدند اما عمل نمی‌کردند و در اصلاحات نهایی مجلس و یا بخشنامه‌ها نتیجه دیگری بیرون می‌آمد. بر همین مبنا همیشه گفته‌ام که یکی از آسیب‌های جدی در نظام حقوقی و اجتماعی ما فرآیندهای قانونگذاری است. این فرآیندها صحیح و دقیق نیست.

آقای پوربابایی: شما هم ناظر به کیفیت ارتباطی که کانون وکلا با دستگاه قضایی داشته و در اکثر موارد هم بحث برانگیز بوده، گلابه داشتید. فکری می‌کنید در دوره جدید اتفاقی در کیفیت این ارتباطیست؟

پوربابایی: این‌که رابطه بهتر می‌شود، تجربه نشان داده که نه. البته نمی‌دانم چرا و بعضاً اسباب تأسف هم هست. چرا که اغلب وکلای دادگستری از حقوق‌دانان و اساتید معتبر و حتی از قضات مبرز دادگستری هستند که بعضاً بعد از کسب تجربه کافی بازنشسته شدند و در کانون وکلا و یا مشاوران حضور دارند. بنابراین استفاده از تجربیات این اندیشمندان به عنوان یک نهاد حقوقی معتبر با سابقه نزدیک به یک قرن برای هر دستگاهی مفید است. از ابتدای انقلاب اسلامی قوه قضائیه و با همان شورای عالی قضایی، به کانون وکلانه به عنوان رفیق بلکه به عنوان رقیب نگاه می‌کردند و نه تنها به عنوان طرف شور از این اندیشمندان استفاده نمی‌کردند بلکه حتی در مواقعی که کانون وکلآ آمادگی خود را اعلام می‌کرد که در هر موردی در خصوص لوابح یا قوانین به دستگاه قضایی کمک کند، قوه قضائیه این استفاده را نکرده است. بگذارید مقداری به اوایل انقلاب برگردیم. در آن زمان واقعاً فکر می‌کردند که وکلا و کانون وکلای دادگستری ملجأ و پناه‌شان است. کانون وکلا بود که از مقامات سیاسی که در دوران انقلاب مبارزه می‌کردند حمایت کرد. اما با وجود این‌که هم دارای دانش حقوقی و هم تجربه کافی هستند تا الآن چنین استفاده‌ای از آنان نشده. امیدواریم که در این دوره ریاست قوه قضائیه این اتفاق رخ دهد.

وکلای دادگستری نه ضد نظام هستند و نه مطلبی را می‌گویند که علیه قوه قضائیه باشد. بد نیست که مقامات قضایی بنشینند و به این نتیجه برسند که از وکلا استفاده کنند. چرا این کار را نمی‌کنند نمی‌دانم. امیدوارم که این کار انجام شود. کانون وکلانه به مقامات سیاسی وابسته است و نه به مقامات قضایی و هر آن چیزی که تاکنون گفته و یا خواهد گفت قطعاً برای اجرای عدالت و به نفع مردم خواهد بود. پس خوب است که دستگاه قضا در تدوین لوابح از نظر مشورتی وکلا استفاده کند. در خصوص آن بخشی هم که دکتر میرمحمد صادقی در مورد اعتماد مردم گفتند، به نظر من عبارت فقهی «تسویه بین خصمین» در دستگاه قضایی وجود ندارد. یعنی این حس در مردم وجود ندارد، به درست و غلط که قضایی دادگستری همان‌گونه که به شاکلی یا خواهان نگاه می‌کند عیناً به خواننده و یا متهم هم نگاه می‌کند. یعنی متهم، خود را سرباز بی دفاع و بی اسلحه می‌بیند که نظام قضایی هر روز تلاش کرده که این متهم را مفید عمل کند؟

خلع سلاح‌تر کند.

آقای رئیسی در صحبت‌هایی که در سفر به قم داشته‌اند، به مسأله‌ای تحت عنوان کرامت اشاره کردند و این‌که گفته بودند آیین‌نامه مربوط به آن را هم تدوین می‌کنیم. اتفاقاً یک نکته این بود که نگاه به متهم هم باید تغییر کند....

شاملو: ببینید نگاه به متهم به لحاظ اخلاقی یک روش و به لحاظ حقوق دفاعی روش متفاوت دیگری است. یعنی اگر من به‌عنوان یک مقام قضایی همان‌طور که باید از منظر رفتاری بین متهم و شاکلی تفاوتی قائل نشوم به لحاظ دفاعی هم نباید فرقی بین آنها بگذارم. حالا متأسفانه در تدوین یا تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، حتی همین قانون جدید که خیلی از بخش‌های آن با استقبال حقوق‌دانان روبه‌رو شد اما نکاتی در آن وجود دارد که این اعتماد را زائل می‌کند؛ مثل تبصره ماده ۴۸. این‌که شما به متهم تکلیف کنید که وکیلی که مورد تأیید من است را انتخاب کند بزرگ‌ترین مشخصه‌ای است که اعتماد مردم را از بین می‌برد. ولو این‌که وکیل قدرت دفاعی کامل داشته باشد و با شرافت از موکل خود دفاع کند و هر نتیجه‌ای هم که بگیرد از لحاظ وجدانی آسوده باشد. یعنی قاطبه مردم این نگاه را دارند که مأمور ضابط دادگستری برای حکومت است، قاضی برای حکومت است، اجرای احکام برای حکومت است و وکیلی هم که ما می‌خواستیم به اوپناه ببریم برای حکومت است و من چگونه به چنین دستگاهی اعتماد کنم. کدام نهاد مستقل تعریف کرده که به آن به‌عنوان پناهگاه و ملجأ نگاه کنم. پس ببینید خود مسئولان بیشتر به این بی‌اعتمادی دامن می‌زنند.

این نگاه باید بر داشته شود که البته ظاهراً اصلاحاتی در کمیسیون حقوقی مجلس در این باره در حال انجام است.

آقای دکتر میرمحمد صادقی شما می‌خواستید نکاتی را در مورد جلب اعتماد مردم به دستگاه قضایی مطرح کنید. ضمن این‌که در برنامه‌های آقای رئیسی چند نکته برجسته بود مانند احقاق حقوق عامه یا بحث مبارزه با فساد یا تأکید بر این‌که رویکرد پیشگیرانه هم‌زمان با بحث برخورد هم وجود داشته باشد. بحث کرامت از یاب نتیجه‌رساندن این تصمیمات کار ساده‌ای است؟

سلامت مطرح می‌شود. برخی هم مقداری شایعه می‌شود. آنچه که در شبکه‌های مجازی مطرح می‌شود این برداشت را در مردم ایجاد کرده که همه مسئولان نادانم دزد هستند و متأسفانه گروه‌های مختلف هم برای این‌که گروه رقیب را بکوبند سعی می‌کنند این موارد را بزرگ نشان دهند. این اتفاق از جمله در دستگاه قضایی هم رخ داده است. گاهی وقت‌ها ممکن است کسی کارچاق کن باشد و برای این‌که یک پولی از طرف بگیرد می‌گوید که روح‌خواه آن را به قاضی بدهم در حالی که روح قضایی هم از این موضوع خیردار نیست. طبعاً باید به‌طور قاطع با این‌گونه سلامت نبودن هاو نادرستی‌ها در دستگاه قضایی مقابله شود.

بخشی از مشکلات هم به حجم کار قضایی بازمی‌گردد. در کجای دنیا سراغ دارید که سلامت مطرح می‌شود. برخی هم مقداری شایعه می‌شود. آنچه که در شبکه‌های مجازی مطرح می‌شود این برداشت را در مردم ایجاد کرده که همه مسئولان نادانم دزد هستند و متأسفانه گروه‌های مختلف هم برای این‌که گروه رقیب را بکوبند سعی می‌کنند این موارد را بزرگ نشان دهند. این اتفاق از جمله در دستگاه قضایی هم رخ داده است. گاهی وقت‌ها ممکن است کسی کارچاق کن باشد و برای این‌که یک پولی از طرف بگیرد می‌گوید که روح‌خواه آن را به قاضی بدهم در حالی که روح قضایی هم از این موضوع خیردار نیست. طبعاً باید به‌طور قاطع با این‌گونه سلامت نبودن هاو نادرستی‌ها در دستگاه قضایی مقابله شود.

بخشی از مشکلات هم به حجم کار قضایی بازمی‌گردد. در کجای دنیا سراغ دارید که سلامت مطرح می‌شود. برخی هم مقداری شایعه می‌شود. آنچه که در شبکه‌های مجازی مطرح می‌شود این برداشت را در مردم ایجاد کرده که همه مسئولان نادانم دزد هستند و متأسفانه گروه‌های مختلف هم برای این‌که گروه رقیب را بکوبند سعی می‌کنند این موارد را بزرگ نشان دهند. این اتفاق از جمله در دستگاه قضایی هم رخ داده است. گاهی وقت‌ها ممکن است کسی کارچاق کن باشد و برای این‌که یک پولی از طرف بگیرد می‌گوید که روح‌خواه آن را به قاضی بدهم در حالی که روح قضایی هم از این موضوع خیردار نیست. طبعاً باید به‌طور قاطع با این‌گونه سلامت نبودن هاو نادرستی‌ها در دستگاه قضایی مقابله شود.

سال بیست‌وپنجم ■ شماره ۶۰۶۷

چهارشنبه ■ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸



ارزیابی چشم انداز مسیر جدید دستگاه قضا در میزگرد «ایران» با

جلب اعتماد عمومی؛ ا

...و باید برای این موضوع فکری کرد تا از ورودی‌ها کم شود. آن وقت است که یک حدی بیرون برود و تبدیل به بحران شود. آنجاست که همه توجه می‌کنند باید یک راه حلی برای آن پیدا کنند. اگر بخواهیم به آسیب‌های جدی در دستگاه قضایی توجه کنیم یکی اعمال سلیقه‌های شخصی است یا به عبارتی دیگر، اجتهادهای بسیاری از مسئولان و قضات در برابر نص‌های قانونی است. صرف‌نظر از این‌که در برخی مواقع قوانین ما ابهام دارد و کلی و قابل تفسیر است اما اعمال سلیقه در سیستم قضایی ما نهادینه شده است. برخی از این مشکل به نظام آموزشی قضات ما برمی‌گردد که اگر اصولگرایی حقوقی را به معنای واقعی برای قضات فرهنگ کنند شاید این آسیب چنین عیان و برهنه نشان داده نشود. ما فرهنگ حاکمیت قانون را نداریم و هر چه هست بیشتر اعمال سلیقه و تشخیص مصلحت‌های موردی است. ما فقط یک مرجع عالی با نام مجمع تشخیص مصلحت نظام داریم که وظیفه آن هم حل مشکل بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بر سر مصوبات است. این در حالی است که در نظام اجرایی قضایی خود در خیلی از مواقع شاهد هستیم که یک مدیر تشخیص مصلحت می‌کند و قانون را نادیده می‌انگارد. این موضوع در درازمدت آسیب‌های جدی برای می‌گذارد. نقض فرآیندهای دادرسی عادلانه و رسمی و قانونی و شفاف یکی از عوامل مهم آسیب‌ها در نظام حقوقی ما و بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضایی است.

میرمحمدصادقی: تسلط بر فقه و حقوق از نقاط مثبت آقای رئیسی است اما نمی‌توانیم به عنوان شرایط کافی برای رئیس قوه از آن نام ببریم. تنها شرایط لازم به شمار می‌آید و نقطه آغاز خوبی است اما در کنار آن باید اقدامات دیگری انجام شود تا مشکلات این دستگاه و از جمله تضعیف اعتماد عمومی برطرف شود. خیلی از وقت‌ها ما فکر می‌کنیم که همه موظف هستند که مصلحت نظام را رعایت کنند. از آن قاضی گرفته که وقتی می‌خواهد به پرونده رسیدگی کند می‌گوید مصلحت نظام آن هم به تشخیص خودش، تا گاهی وقت‌ها شورای نگهبان هم که می‌خواهد مصوبه‌ای را تأیید و یارد کند می‌گوید مصلحت نظام. اما باید این را دانست که هیچ مصلحتی برای نظام و حاکمیت و مردم مهم‌تر از رعایت قانون و قانونگرایی نیست. مصلحت‌گرایی‌های دروغین و حتی گاهی مستضعف‌گرایی‌های دروغین راه به جایی نمی‌برد

شاملو: اگر بخواهیم آسیب‌های موجود در دستگاه قضایی را مورد توجه قرار دهیم باید بگوییم که یک مشکل اساسی که در نظام اجتماعی ما وجود دارد این است که همیشه آسیب‌شناسی درون سیستمی انجام می‌شود که هیچ‌وقت ما را به حقیقت رهنمون نمی‌کند. مثلاً اداره بازرسی یا حفاظت اطلاعات قوه قضائیه یا فلان مرجع قضایی می‌آید و آسیب‌شناسی می‌کند. در صورتی که این دستگاه‌ها زیر نظر رئیس سیستم قرار دارد و در این روش آسیب شناسی باید همیشه برون سیستمی و با توجه به اصل شفافیت و دسترسی به همه داده‌ها و با ضمانت اجرایی برای بیان آن‌ها باشد. یک مشکل اساسی و فرهنگی که در نظام اجتماعی ما وجود دارد این

سلامت مطرح می‌شود. برخی هم مقداری شایعه می‌شود. آنچه که در شبکه‌های مجازی مطرح می‌شود این برداشت را در مردم ایجاد کرده که همه مسئولان نادانم دزد هستند و متأسفانه گروه‌های مختلف هم برای این‌که گروه رقیب را بکوبند سعی می‌کنند این موارد را بزرگ نشان دهند. این اتفاق از جمله در دستگاه قضایی هم رخ داده است. گاهی وقت‌ها ممکن است کسی کارچاق کن باشد و برای این‌که یک پولی از طرف بگیرد می‌گوید که روح‌خواه آن را به قاضی بدهم در حالی که روح قضایی هم از این موضوع خیردار نیست. طبعاً باید به‌طور قاطع با این‌گونه سلامت نبودن هاو نادرستی‌ها در دستگاه قضایی مقابله شود.

بخشی از مشکلات هم به حجم کار قضایی بازمی‌گردد. در کجای دنیا سراغ دارید که سلامت مطرح می‌شود. برخی هم مقداری شایعه می‌شود. آنچه که در شبکه‌های مجازی مطرح می‌شود این برداشت را در مردم ایجاد کرده که همه مسئولان نادانم دزد هستند و متأسفانه گروه‌های مختلف هم برای این‌که گروه رقیب را بکوبند سعی می‌کنند این موارد را بزرگ نشان دهند. این اتفاق از جمله در دستگاه قضایی هم رخ داده است. گاهی وقت‌ها ممکن است کسی کارچاق کن باشد و برای این‌که یک پولی از طرف بگیرد می‌گوید که روح‌خواه آن را به قاضی بدهم در حالی که روح قضایی هم از این موضوع خیردار نیست. طبعاً باید به‌طور قاطع با این‌گونه سلامت نبودن هاو نادرستی‌ها در دستگاه قضایی مقابله شود.

قاضی در یک روز به ۱۵ پرونده رسیدگی کند؟ چگونه از آن قاضی که از یکسو ۱۵ پرونده را در یک روز رسیدگی می‌کند و از سوی دیگر امکانات کمی از لحاظ شخصی و اداری به او می‌دهیم انتظار داریم که با بیلخند با ارباب رجوع هم برخورد کند. طبیعی است که این کار شدنی نیست. باید بار قضات را کم کرد. اگر این همه پرونده موجود است، همه که در دست دستگاه قضایی نیست، منشأ اختلاف جای دیگری ایجاد می‌شود. چرا منشأ اختلاف وجود دارد؟ یکی از مسئولان قضایی به من می‌گفت که دعاوی حقوقی که حدود یک سوم آن را بررسی کردم مبتنی بر اسناد غیررسمی شکل گرفته است چون اطلاع دارید که اسناد غیررسمی هم در دادگاه پذیرفته می‌شود و منشأ دعاوی است. اعم از قولنامه‌ها و مبایعه‌نامه‌ها